

خرداد ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۲۲۷

ضرورت اصلاح قوانین بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۲۲۷

کد موضوعی: ۲۱۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ضرورت اصلاح قوانین بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی

نام دفتر: مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین کنندگان: علی خلیلی، شهاب‌الدین فولادی مقدم

همکاران: علی اسدی، محمدمصطفی صادق، رضا منوچهری، غلامرضا مهردل، فروزان آصف

نخعی، احسان آزمونیا، ایمان شعبان زاده

ناظران علمی: وحید برسپاه، کامیل قیدرلو

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. بیمه اجتماعی

۲. کارگران ساختمانی

۳. تکمیل ساختار روابط شغلی

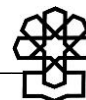


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۳/۱

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	ماهیت مشاغل سازمان نیافته و پیامدهای منفی آنها
۵	بیمه اقسار و گروه‌های خاص
۶	سوابق قانونی بیمه کارگران ساختمانی
۱۱	کاستی‌های قانونی (۱۳۵۲ تا ۱۳۹۹)
۱۱	الف) فقدان معیارهای مبتنی بر اصول بیمه‌های اجتماعی
۱۱	ب) ناتوانی پوشش ۱۰۰ درصدی
۱۲	ج) سهم بزرگی از مزایای قانون متوجه جامعه هدف نیست
۱۳	د) غفلت از بیمه بیکاری کارگران ساختمانی
۱۳	هـ) بی‌توجهی به ساعات کار مفقود شده
۱۳	و) حوادث شغلی
۱۵	الگوهای نوین کار و تأمین اجتماعی در جهان
۱۵	الف) الگوی نوین کار شایسته
۱۶	ب) الگوی نوین تأمین اجتماعی نظارتی
۱۸	الگوی مناسب و عملیاتی
۱۹	نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۲۱	منابع و مأخذ



ضرورت اصلاح قوانین بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی

چکیده

شغل کارگران ساختمانی در دسته‌بندی شغل‌های سازمان‌نیافته قرار می‌گیرد. ناقص بودن ساختار روابط کار در این شغل باعث شده قانون فعلی بیمه کارگران ساختمانی، سازمان بیمه‌گر و کارگران را با مشکلات متعددی روبه‌رو کند. این قانون در طول تاریخ بیمه‌ای ایران بارها بازنگری و اصلاح شده است. اصلاحات و تبصره‌های متعدد از سال ۱۳۵۲ تاکنون که عمدتاً ناظر به تغییر حق بیمه بوده، که خود بیانگر این مطلب است که ساختار قانون بیمه کارگران ساختمانی بر پایه درستی بنا نشده است. قانون بیمه کارگران ساختمانی به لحاظ ماهوی با ساختار استاندارد اصول حاکم بر بیمه متفاوت است و از کارایی لازم برخوردار نیست. در حال حاضر مزایای بیمه و بازنشستگی برای کارگران ساختمانی به شکلی ناقص و به طریق غیراصولی اجرا می‌شود. با مرور تاریخچه قوانین بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی به روایتی مسلط و غیربیمه‌ای می‌رسیم که معتقد است شغل کارگری ساختمان از جوانبی، با سایر مشاغل تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی متفاوت است، و به این دلیل که فصلی و مقطعی بوده و کارگاه و کارفرمای مشخصی ندارد، نیازمند قوانین خاصی است. قوانین ویژه، معایب چون فرار و سرقت بیمه‌ای، عدم پوشش کامل بیمه‌ای، فقدان بیمه بیکاری و ساعات کار مفقود شده را به دنبال داشته است. شرایط شغلی کارگران ساختمانی، مستقل از عوامل اقتصادی مانند درآمد مناسب، استانداردهای لازم برای حفظ شأن و جایگاه اجتماعی آنان را ندارد. مجموع این موارد در کنار مشکلات بیمه‌ای در قانون بیمه کارگران ساختمانی به واسطه ساختار ناقص شغلی، همگی یک بازنگری اساسی برای ساماندهی این شغل را الزام‌آور می‌کند.

سازوکار ناقص بیمه‌ای شغل کارگران ساختمانی یکی از مهم‌ترین دلایلی است که باعث شده این شغل از استانداردهای یک شغل شایسته فاصله گیرد. براساس معیارهای سازمانی جهانی کار، کار شایسته کاری است که مؤلفه‌های آزادی، برابری، امنیت، بیمه و درآمد مناسب، متناسب با شأن و وقار اجتماعی افراد در آن حفظ شود. آنچه مشخص است، شغل کارگر ساختمانی در ایران مؤلفه‌های اجتماعی کار شایسته را برای کارگران تأمین نمی‌کند. این در حالی است که کارگران بخش ساختمان عمدتاً دستمزدهای پایینی دریافت می‌کنند که شرایط زندگی را برای آنها سخت‌تر کرده است.

بررسی تجربه سایر کشورها در پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی نشان می‌دهد که کارگران در بخش ساختمان در جهان به دو گروه کارگران مستقیم و کارگران سازمان‌نیافته (خوداشتغال یا مستقل) تقسیم می‌گردند. کشورهای بررسی شده عمدتاً از نظام تأمین اجتماعی قدرتمندی برخوردار بوده و پوشش بیمه‌ای بسیار مناسبی، نسب به جمعیت خود تأمین کرده‌اند. ساختار تأمین اجتماعی کشورهای بررسی شده با تفکیک کارگران در بخش ساختمان به دو گروه ذکر شده (کارگران مستقیم و کارگران خوداشتغال)، سازوکار متفاوتی را برای پوشش بیمه‌ای در نظر گرفته‌اند. شرکت‌های

پیمانکاری تا حد زیادی توانسته‌اند شغل کارگر ساختمانی را به چارچوب‌های شغل استاندارد نزدیک کرده و در نتیجه سازوکار بیمه‌ای آنها به صورت استاندارد طراحی شده است.

از آنجایی که شغل کارگری ساختمان، شغلی موقتی بوده و پیوسته نیست، نمی‌توان برای آن کارفرما و کارگاه مشخصی متصور بود. در مدل جدید بازار کار ساخت‌وساز، کارگران ساختمانی در قالب مؤسسات نظارتی و تحت پایش مستمر دولت قرار دارند. تغییر نهادی بازار کارگران ساختمانی برای ایجاد تحول به سمت مدل‌های اشتغال نوین، به معنای رسیدن به نقطه بهینه اجتماعی در بازار کار کارگران ساختمانی با کمترین هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی است.

مقدمه

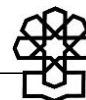
امروزه برخلاف گذشته، اشتغال، علاوه بر تضمین معیشت فرد و خانواده، منزلت اجتماعی را نیز در مناسبات جمعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین امنیت و ثبات این مقوله از اهمیتی دوچندان برخوردار است، موضوعی که تأمین آن می‌تواند ضمن افزایش شاخص سرمایه اجتماعی، باعث ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و تقویت اعتماد عمومی گردد.

امنیت و ثبات تحت تأثیر شرایط ناپایدار اجتماعی و اقتصادی، سیاستگذاری ضعیف و اجرای نادرست قوانین به مخاطره افتاده و زمینه‌ساز شرایطی است که از آن به سازمان‌نیافتگی مشاغل یاد می‌شود. در این شرایط روابط کار شکل ناقصی به خود گرفته و شاغلان، ضمن محروم ماندن از مزایای شغلی، جایگاه اجتماعیشان نیز به شدت آسیب می‌بیند. اشتغال در بخش ساخت‌وساز یکی از شغل‌های سازمان‌نیافته در دنیا محسوب می‌شود که روابط کار در آن، به طور کامل صورت‌بندی نشده است و کارگران، عمدتاً به صورت خوداشتغال و یا در قالب قراردادهای پیمانکاری فعالیت می‌کنند. عدم موفقیت در تحقق سازمان‌یافتگی مشاغل و به ویژه شغل کارگری ساختمان، در بیشتر مواقع موجب ناپایدار شدن شغل از جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی و گرفتار شدن شاغلان در چرخه فقر می‌شود.

تأمین امنیت در کار با استفاده از مکانیسم بیمه اجتماعی اتفاق می‌افتد، امری که با وجود توجه به آن در سال‌های ابتدایی ورود تأمین اجتماعی به ایران،^۱ همچنان در حوزه مشاغل کارگری با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است. بر مبنای قوانین فعلی در ایران، شاغلان بخش ساخت‌وساز، تحت عنوان کارگران ساختمانی^۲ شناخته می‌شوند که به دلایل ضعف قانون و ساختار روابط کار، ضمن عدم برخورداری از بسیاری از مزایای تأمین اجتماعی، امکان پس‌انداز قابل توجهی نیز برای دوران سالخوردگی آنان فراهم نیست. باید اشاره کرد که مسائل حل نشده کارگران ساختمانی از منظر روابط کار و تأمین اجتماعی به موارد یاد شده محدود نیست و طیف وسیعی از مشکلات را در برمی‌گیرد، نبود کارفرما و کارگاه دائمی، شرایط نامطلوب شغلی، خطر آفرین و آسیب‌زا بودن کار در ساختمان، منزلت اجتماعی پایین شغلی، عدم آشنایی با حقوق شغلی، سطح مهارت پایین، نامشخص بودن محلی برای یافتن شغل، عدم برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ای مطلوب از جمله سایر شرایط نامطلوب اشتغال در این شغل هستند. یکی از عوامل اثرگذار و قابل توجه در عدم توفیق بخش حمایت‌های اجتماعی پیرامون فعالان بخش ساخت‌وساز در ایران را می‌توان ناشی از سازمان‌نیافته بودن و

۱. سابقه قوانین تأمین اجتماعی کارگران ساختمانی به سال ۱۳۳۹ خورشیدی برمی‌گردد.

۲. تعریف قانونی کارگر ساختمانی: فردی که به نحوی از انحاء در رابطه با ایجاد، توسعه، تجدید بنا، تعمیرات اساسی و تخریب ساختمان به طور مستقیم اشتغال دارد و مشمول مقررات خاص از نظر بیمه و بازنشستگی نمی‌باشد. (آیین‌نامه اجرایی مواد (۲) و (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۹، ۰۲، ۱۹)



ساختار ناقص روابط کار دانست. این اشکال باعث شده است کارگران ساختمانی از پوشش صددرصدی بیمه‌ای و مزایای تأمین اجتماعی مانند حق بیمه بیکاری، شرط سنوات عادلانه بازنشستگی و غیره محروم بمانند. در کشورهای توسعه یافته فعالیت ساخت و ساز و حتی خدمات و تعمیرات و بهره‌برداری ساختمان عمدتاً توسط شرکت‌ها و مؤسسات دارای مجوز فعالیت صورت می‌گیرد، این موضوع علاوه بر تسهیل پوشش بیمه‌ای کارگران، امنیت و تعهد شغلی، کیفیت ساخت و کاهش چشمگیر سوانح کاری را در پی داشته است.

به‌منظور اصلاح بیمه کارگران ساختمانی پیشنهادهای گوناگونی از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. هریک از پیشنهادهای ارائه شده محاسن و معایبی را برای ذی‌نفعان به‌همراه دارد. پژوهش درخصوص بررسی یکایک پیشنهادهای برای اصلاح بیمه کارگران ساختمانی در دستور کار دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس قرار گرفته است تا طی سلسله گزارشاتی در این زمینه سناریوی بهینه برای بیمه کارگران ساختمانی را طراحی کند. بنابراین خروجی نهایی سلسله گزارشات بیمه کارگران ساختمانی، یک پیشنهاد تقنینی برای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. گزارش حاضر مرحله اول پژوهش درخصوص بیمه کارگران ساختمانی است و یکی از حالت‌های پیشنهادی را بررسی کرده است. این گزارش به طراحی چارچوبی برای تکمیل ساختار شغلی کارگران ساختمانی می‌پردازد. در این گزارش سعی شده است ساختار روابط کار در شغل کارگری ساختمان بررسی شده و درنهایت پیشنهادی برای اصلاح این ساختار ارائه شود.

وضعیت کارگران ساختمانی در ایران

گسترش شهرنشینی در دهه‌های اخیر منجر به افزایش تقاضا برای ساخت‌وساز و به‌تبع آن افزایش نیاز به نیروی کار شده است. براساس داده‌های انجمن صنفی کارگران ساختمانی و وزارت راه و شهرسازی، جمعیت کارگران ساختمانی حدود ۱,۷۰۰ هزار نفر^۱ بوده که حدود ۵۰۰ هزار نفر از آنان در قالب شرکت‌های پیمانکاری و حدود ۱,۲۰۰ هزار نفر به شکل خوداشتغالی درحال فعالیت هستند. تفاوت اساسی بین این دو گروه از کارگران، در سازمان‌یافتگی و یا سازمان‌نیافتگی آنان است. بدین معنا که آن دسته از کارگرانی که در شرکت‌های ساختمانی و پیمانکاری (سازمان‌یافته) مشغول به کار هستند مانند بیمه‌پردازان سایر مشاغل، به‌صورت اجباری تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. چالش اساسی، اما متوجه بیمه اجتماعی ۱,۲۰۰ هزار نفر کارگر ساختمانی سازمان‌نیافته‌ای است که در ذیل قانون بیمه کارگران ساختمانی (مصوب سال ۱۳۸۶) و اصلاحات پس از آن قرار گرفته‌اند. از آنجایی که این قانون، کارایی لازم برای تحت پوشش قراردادن کل این جمعیت را نداشته و مدام مورد بازنگری قرار گرفته است، باعث شده تا پایان سال ۱۳۹۹ پوشش بیمه این جمعیت محقق نشود. اطلاعات میزان بیمه‌شدگان کارگران ساختمانی که در جدول زیر ارائه شده است نشان می‌دهد حدود ۴۰۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی، تحت پوشش بیمه قرار نگرفته و درخصوص بیمه آن بخش از جمعیت تحت پوشش هم چالش‌هایی وجود دارد.

۱. در مورد آمار دقیق تعداد کارگران ساختمانی تردید وجود دارد. بنابر آمار سازمان تأمین اجتماعی و اظهارات نماینده کارگران ساختمانی، تعداد کارگران ساختمانی از ۱,۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌کند. از این تعداد تنها ۲۰۰ هزار نفر در قالب شرکت‌های پیمانکاری فعالیت می‌کنند.

جدول ۱. تعداد بیمه‌شدگان کارگران ساختمانی در سال‌های منتخب

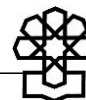
سال	تعداد بیمه‌شدگان (تجمعی)	رشد (درصد)
۱۳۹۰	۳۳۷۵۷۱	-
۱۳۹۱	۴۸۱۲۵۵	۴۲/۶
۱۳۹۲	۶۱۳۶۲۲	۲۷/۵
۱۳۹۳	۶۶۵۵۰۱	۸/۵
۱۳۹۴	۹۲۲۰۱۷	۳۸/۵
۱۳۹۵	۹۸۸۲۰۱	۷/۲
۱۳۹۶	۹۷۰۵۲۹	-۱/۸
۱۳۹۷	۸۰۹۷۵۳	-۱۶/۶
۱۳۹۸	۸۳۱۴۰۶	۲/۷

مأخذ: سالنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی طی سال‌های ذکر شده در جدول.

با در نظر گرفتن دستاوردهای جدید دانش تأمین اجتماعی در حوزه گسترش سطح پوشش بیمه‌شدگان و پایداری سازمان‌های بیمه‌گر، قانون فعلی با صورتبندی بیمه اختیاری ضمن عدم پوشش کامل بیمه‌ای و در معرض خطر قرار دادن منابع سازمان، اقشار کارگری را نیز از بسیاری از مزایای بیمه‌ای محروم کرده است. همچنین تضاد منافع میان تشکل‌ها و دستگاه‌های دخیل در قانون، مانند شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی و سازندگان، وضعیت فعلی را پیچیده‌تر کرده است. به‌گونه‌ای که از یک طرف سازمان تأمین اجتماعی معتقد است حق بیمه دریافتی فعلی، کفاف تحقق تعهدات بیمه‌شدگان را نمی‌دهد و صندوق با کسری قابل توجهی مواجه است و عملاً امکان تحت پوشش قراردادن ورودی‌های جدید را ناممکن می‌داند. از سوی دیگر تخمین انجمن کارفرمایان ساختمان نشان می‌دهد که میزان حق بیمه‌های دریافتی سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های گذشته بیشتر از میزان مورد نیاز برای بیمه کارگران بوده است. این تضادها در حالی در حال وقوع است که کارگران ساختمانی با مشکلاتی از قبیل از کارافتادگی، سالخوردگی، مسائل سلامت و معیشت نامطلوب مواجهند و عموماً شرایط شغلی ناپایداری را تجربه می‌کنند. با این شرایط هرگونه تلاشی برای ساماندهی جمعیت حدود ۱۲۰۰ هزار نفری کارگران سازمان‌نیافته باید مبتنی بر اصلاح ساختار شغلی آنان و تکمیل روابط کار باشد. علی‌رغم زمانبر بودن و پیچیدگی‌های این کار، به‌نظر می‌رسد این اقدام تنها راهکار عملی برای ساماندهی بیمه کارگران ساختمانی در جهت سازمان‌یافتگی این شغل و سیاستگذاری برای حمایت و جبران رفاه از دست‌رفته کارگران است.

ماهیت مشاغل سازمان‌نیافته و پیامدهای منفی آنها

مشاغل سازمان‌نیافته را می‌توان به اختصار مشاغلی دانست که ساختار روابط کار در آنها ناقص بوده^۱ و به‌تبع این کاستی، شاغلان از برخی مزایای اجتماعی مانند امکان پوشش حمایت‌ها و تأمین اجتماعی و امکان پیگیری مزایای



مشترک شغلی، محرومند. این مسئله ناشی از عوامل متعددی است که مهم‌ترین آنها، ماهیت موقتی بودن شغل و دستمزد پایین است. در پرتو این تعریف، و به واسطه مختصات ذاتی این مشاغل، امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی کارکنان این دسته از مشاغل پایین تعریف می‌شود.^۱ منظور از ساختار ناقص روابط کار این است که کارگران به دلیل نداشتن کارفرمای مشخص، تحت پوشش کامل قوانین تأمین اجتماعی قرار نگرفته و از حمایت‌های اجتماعی مهمی محرومند. ساختار ناقص شغلی باعث گردیده کارفرما قدرت بیشتری در تعیین دستمزد داشته باشد و به این جهت معیشت کارگران این گروه از مشاغل به شدت تحت تأثیر قرار گیرد.

کارگری ساختمان به واسطه ویژگی‌هایی مانند موقتی بودن، دستمزد پایین و عدم پوشش بیمه تأمین اجتماعی در جرگه مشاغل سازمان نیافته قرار دارد و شامل جمعیت بزرگی از کارگران کشور است. با این حال روابط کار در شغل کارگران ساختمانی هر روز به نفع کارفرمای موقت تغییر می‌کند و این مسئله شرایط را برای دستیابی کارگران ساختمانی به خدمات اجتماعی سخت‌تر می‌کند. به گونه‌ای که حتی از منظر اجتماعی، اشتغال در بخش ساخت و ساز (کارگر ساده ساختمانی) یک شغل پایین دست تلقی می‌شود. در نگاه نخست این تلقی ناشی از ماهیت سخت این شغل است، ولی به نظر می‌رسد دلیل اصلی این تصور، روابط ناقص کاری و استخدامی حاکم بر این شغل است که باعث ضعف کارگر در تأمین معیشت خود و خانواده و افزایش عدم اطمینان می‌شود.

کارگران بخش ساخت و ساز به دلیل نداشتن مزایای بازنشستگی، در دوران پیری به ورطه فقر سقوط کرده و ضمن ایجاد مسائل اجتماعی، هزینه‌های رفاهی معتناهی را نیز تحمیل نمایند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در چنین شرایطی و با وجود سیاست‌های حمایتی پرهزینه‌ای که دولت‌ها انجام می‌دهند، اکثر شاغلان همچنان، خدمات اجتماعی شغل را نامطلوب می‌دانند.^۲ از منظر دیگر سازمان نیافتگی شغل باعث کم‌توجهی به مسئله آموزش و مهارت فنی و کم‌سوادی تعمیم یافته در میان کارگران می‌شود؛ امری که می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر کیفیت کار، آثار منفی بر مناسبات خانواده و ارتباطات اجتماعی فرد برجای بگذارد. از دیگر پیامدهای مخرب این امر، ضعف و ناتوانی کارگران در پیگیری حقوق خود در ساختار پیچیده اداری و سلب امکان مشارکت اجتماعی است. در ادامه و در پرتو باور مرکزی این گزارش یعنی اصلاح ساختار روابط کار در شغل کارگری ساختمان، مروری بر سوابق قانونی نظام بیمه اجتماعی کارگران، کاستی‌ها و ضعف‌های این قوانین انجام خواهد گرفت.

بیمه اقشار و گروه‌های خاص

علاوه بر بیمه اجباری و بیمه خویش فرما (شامل بیمه اختیاری و بیمه حرف و مشاغل آزاد)، برخی از مشاغل خاص^۳ دارای قوانین بیمه‌ای ویژه‌ای هستند که از حیث شرایط و شیوه تأمین مالی با منطق بیمه‌های کلاسیک تفاوت‌های دارند. همچنین میزان برخورداری بیمه مشاغل خاص از انواع مزایای تأمین اجتماعی نیز در مقایسه با بیمه‌های خویش فرما (اختیاری و مشاغل آزاد)، متفاوت است.

1. Nazmul Alam , 2012.

2. International Labour Organization, the Construction Industry in the Twenty First Century: Its Image, Employment Prospects and Skill Requirements

۳. رانندگان، قالیبافان، خادمان مساجد، کارگران ساختمانی و غیره.

یکی از تفاوت‌های اساسی بین بیمه‌های مشاغل خاص، عنصر اختیار و اجبار است. بیمه‌هایی مانند بیمه رانندگان، دارای ماهیت اجباری است و از این نظر به بیمه‌های اجباری نزدیک است. رانندگان حمل‌ونقل بار و مسافر برای آنکه بتوانند به کار خود ادامه دهند باید گواهی خاصی دریافت کنند و به موجب آن می‌توانند از خدمات بیمه تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند و در صورت عدم پرداخت حق بیمه، گواهی آنها باطل می‌گردد و امکان تمدید آن وجود ندارد. اما در طرف مقابل بیمه کارگران ساختمان و یا بیمه قالیبافان، ماهیت اختیاری داشته و از این نظر به بیمه‌های خویش فرما نزدیک هستند. در این بیمه‌ها، جامعه هدف در صورت تمایل می‌تواند با ثبت نام و پرداخت حق بیمه خود، از خدمات قانونی بیمه اجتماعی خاص خود بهره‌مند شود و این بهره‌مندی تا زمانی که فرد بیمه شده، حق بیمه خود را پرداخت نماید، ادامه خواهد داشت.

یکی دیگر از مشکلات اساسی اغلب بیمه‌های مشاغل خاص، امکان سوءاستفاده از این نوع بیمه‌ها توسط افرادی است که واجد شرایط استفاده از آنها نیستند. در نظر گرفته نشدن سازوکار منسجم قانونی و مقرراتی، سبب شده تا تعداد قابل توجهی افراد غیرموجه، از بیمه‌های مذکور استفاده نماید. این مسئله به‌ویژه در بیمه کارگران ساختمانی بسیار مشهود است و سبب شده تا بسیاری از افراد واجد شرایط به دلیل کمبود منابع مالی مورد نیاز، هنوز نتوانند تحت پوشش این بیمه قرار گیرند. نکته شایان توجه در شیوه تأمین مالی بیمه مشاغل خاص در ایران این بوده که در روند حقوقی آن، انواعی از کسورات بیمه‌ای، مالیات، عوارض شهرداری، عوارض گمرک، کمک دولت، درصدی از قراردادهای عمرانی و غیرعمرانی، منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی را دربرمی‌گیرد که آمیختگی نامشخصی از تأمین مالی نظامات بورجی^۱ و بیسمارکی^۲ را به وجود آورده است^۳ که نیازمند بازنگری و طراحی سازوکارهایی برای پیشینه‌سازی رفاه عمومی، پیشگیری از هدررفت منابع و شفافیت است. در این رابطه در ادامه گزارش سوابق قانونی بیمه کارگران ساختمانی مرور خواهد شد.

سوابق قانونی بیمه کارگران ساختمانی

قبل از هرگونه تحلیلی به‌منظور روشن شدن موضوع، درخصوص راهی که تاکنون در بیمه کارگران ساختمانی طی شده است، باید روند تاریخی اصلاحات قانونی این حوزه به جزئیات شرح داده شود. همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، برای نخستین بار در سال ۱۳۳۹ قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران با مزایایی از قبیل حوادث ناشی از کار و بیماری حرفه‌ای، حوادث و بیماری‌های غیر ناشی از کار، حاملگی و وضع حمل، از کارافتادگی، بازنشستگی، ازدواج و فوت جهت تأمین رفاه کارگران مصوب شد. این قانون اگرچه در آن زمان در زمره مترقی‌ترین قوانین بیمه‌ای به‌شمار می‌رفت، لکن سازوکار مشخصی درباره مشاغل موقت و یا مشاغل بدون کارگاه ثابت مانند شغل کارگری ساختمان نداشت. متعاقب این مصوبه و به‌دلیل نیاز به قانونی که بتواند پوششی جهت این مشاغل ایجاد کند، در سال ۱۳۵۲، قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی با مزایای پوشش ریسک‌های ناشی از کار و بدون مزیت بازنشستگی مصوب گردید. نحوه نگارش این قانون

1. Beverdige

2. Bismarck

۳. تفاوت این نظامات در نوع تأمین مالی است. تأمین مالی سیستم‌های بورجی و بیسمارکی به ترتیب از طریق مالیات و حق بیمه مشاغل انجام می‌شود.



همانند بیمه‌های تجاری (بیمه خودرو، آتش‌سوزی، باربری و غیره) بود و از اصول بیمه اجتماعی تبعیت نمی‌کرد. در حقیقت گویی این نوع بیمه اصولاً با هدف برخورداری کارگران از مزایای بیمه‌های اجتماعی تدوین نشده بود و به همین علت، ارکان این قانون با بیمه‌های اجتماعی تفاوت ماهوی داشت. بنابراین به دلیل عدم توفیق این قانون جهت پوشش مسائل جامعه هدف، اصلاحات قانونی زیادی به خصوص در حوزه تعیین و تسهیم نرخ حق بیمه طی سال‌های بعد به خود دیده است. این تغییرات بیانگر این است که ساختار قانون بیمه کارگران ساختمانی از ابتدا بر مبنای اصول بیمه‌های اجتماعی بنا نشده بود، بنابراین هیچ‌گاه اصلاحات صورت گرفته توانایی حل معایب و نواقص آن را نداشته است. در ادامه تغییرات و اصلاحات ایجاد شده در قانون که عمدتاً ناظر بر موضوع اخیر است، به تفصیل ارائه خواهد شد:

جدول ۲. قوانین و طرح‌های قانون مربوط به بیمه کارگران ساختمانی حداقل مهروموم‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۹۹

عنوان قانون	تاریخ تصویب	هدف قانون	توضیحات
قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران	۱۳۳۹	بیمه و بازنشستگی	این قانون شامل همه کارگران اعم از ساختمانی و غیره می‌شد
قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی	۱۳۵۲	بیمه حوادث ناشی از کار(صرفاً)	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران- ۱۳۳۹
قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب آبان‌ماه ۱۳۵۲	۱۳۷۹	تغییر میزان حق بیمه	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران- ۱۳۵۲
قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی	۱۳۸۶	بیمه و بازنشستگی	- قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی- ۱۳۵۲ - مواد (۳۸)، (۵۰)، (۶۶)، (۵۸)، (۸۱) و (۸۲) قانون تأمین
قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶	۱۳۸۷	تغییر میزان حق بیمه	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی - ۱۳۸۶ - ماده(۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم - ۱۳۶۶
آیین‌نامه اجرایی مواد (۳) و (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی	۱۳۸۹	تعیین ضوابط قانون مصوب ۱۳۸۶	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی- ۱۳۸۶ - شیوه‌نامه اجرایی طرح آموزش کارگران صنعت ساختمان (شماره ۲۰۰/۲۲۱۶۲ مورخ ۲/۶/۱۳۸۷) - تصویب‌نامه شماره ۵۰۳۵۱/ت/۵۰۳۵۱-هـ مورخ ۲۴/۴/۱۳۷۶ و شیوه‌نامه موضوع این ماده
قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان	۱۳۹۱	تکلیف جهت بیمه نمودن کارگران به‌طور کامل و با نظارت دقیق	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی - ۱۳۸۶
قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی	۱۳۹۳	تغییر میزان حق بیمه	- قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی- ۱۳۸۶ - قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶- مصوب ۱۳۸۷
طرح اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی(ثبت ۲۳۹)	۱۳۹۹	تغییر میزان حق بیمه	- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی - تبصره «۳» ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحیه سال ۱۳۹۴) - مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری



با نگاهی به جدول فوق می‌توان صورتبندی ذیل را ارائه داد:

۱. قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲: حق بیمه ساختمانی (سهم کارفرمایی) در واحدهای با زیربنای بالاتر از ۱۵۰ مترمربع معادل ۳۰ ریال و در واحدهای با زیربنای کمتر از ۱۵۰ مترمربع معادل ۵ ریال به‌ازای هر مترمربع زیربنا محاسبه می‌گردد. تاریخ اجرای این قانون حداقل ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۹ است (مقدار ریالی به‌ازای مترمربع).

۲. قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب سال ۱۳۷۹: حق بیمه ساختمانی (سهم کارفرمایی) در واحدهای با زیربنای تا ۱۰۰ مترمربع به‌ازای هر مترمربع معادل ۳٪ حداقل دستمزد روزانه کارگر ساده شهری و از ۱۰۰ مترمربع سطح زیربنا به بالا به‌ازای هر مترمربع معادل ۴٪ حداقل دستمزد روزانه کارگر ساده شهری مبنای محاسبه قرار می‌گیرد (درصدی از حداقل دستمزد به‌ازای مترمربع).

۳. قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶: حق بیمه ساختمانی (سهم کارفرمایی) براساس ۴٪ حداقل دستمزد ماهیانه برای هر مترمربع سطح زیربنا محاسبه می‌گردد (درصدی از حداقل دستمزد به‌ازای مترمربع).

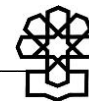
۴. قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۷: محاسبه حق بیمه ساختمانی براساس آیین‌نامه اجرایی مواد (۳) و (۵) قانون بیمه کارگران ساختمانی موضوع مصوبات ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹ به‌شرح ذیل است:

طبق قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی (مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی)، حق بیمه ساختمانی هر مترمربع زیربنا براساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و متراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن)، سطح زیربنا و سایر شاخص‌های ارزشگذاری منطقه‌ای اعم از شهری، روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها به‌شرح فرمولی که جدول ۵ آمده است، محاسبه شده و در هر صورت نرخ حق بیمه با توجه به شاخص‌های موصوف از ۴٪ حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار بیشتر نخواهد بود (درصدی از حداقل دستمزد و ارزش معاملاتی املاک به‌ازای مترمربع) (پیوست یک).

۵. قانون اصلاح ماده (۵) اصلاحی قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۹۳: مبنای محاسبه حق بیمه سهم کارفرمایی کارگران ساختمانی، ۱۵٪ مجموع عوارض صدور پروانه قرار گرفت. براساس تفاهمنامه‌های منعقد فی‌مابین سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان تأمین اجتماعی، مراجع صدور پروانه مکلفند براساس عناوین مندرج در جدول ۳، عوارض صدور پروانه ساختمانی مشمول کسر حق بیمه را به‌منظور محاسبه حق بیمه ساختمانی به همراه مبلغ کل عوارض صدور پروانه به سازمان اعلام نمایند.

۶. در نهایت طرحی با عنوان اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی در سال ۱۳۹۹ توسط مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت است. تمرکز اصلی این طرح نیز بر روی اصلاح نحوه تعیین حق بیمه سهم کارفرمایی است. براساس آخرین اصلاحات این طرح، حق بیمه سهم کارفرما برای هر مترمربع زیربنا در هر طبقه، از دو تا چهارده درصد حداقل دستمزد ماهیانه همان سال محاسبه می‌شود که توسط شهرداری‌ها هنگام صدور پروانه ساخت اخذ می‌گردد. شاخص‌های تعیین ضریب حق بیمه براساس میزان جمعیت منطقه ساخت، ارزش منطقه‌ای، محرومیت، مشخصات و کاربری بنا تعیین می‌گردد که مسئولیت آن برعهده کمیته‌ای مرکب از نماینده‌های سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌ربط است (درصدی از حداقل دستمزد و شاخص‌هایی از قبیل جمعیت، ارزش منطقه‌ای، محرومیت و مشخصات و کاربری بنا به‌ازای مترمربع).

بررسی روند تاریخی اصلاحات صورت گرفته در قانون بیمه کارگران ساختمانی نشان می‌دهد که از ابتدای تصویب این مجموعه قوانین، مبنای تعیین حق بیمه سهم کارفرمایی به کرات تغییر کرده است. در سال ۱۳۵۲، مبنای دریافت حق بیمه سهم کارفرمایی مقدار ریالی مشخص به‌ازای هر مترمربع تعیین شده بود. در بازه زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ معیار این قانون به درصدی از حداقل دستمزد به‌ازای هر مترمربع تغییر کرد؛ در طی بازه مذکور یک‌بار در تعیین درصد حداقل دستمزد تجدیدنظر شد. از سال ۱۳۸۷ به بعد به‌دلیل اینکه نرخ‌های یکسان برای تمامی نقاط کشور ناعادلانه تلقی می‌شد، شاخص ارزش معاملاتی املاک نیز به حداقل دستمزد اضافه گردید تا حق بیمه دریافتی به درصدی از این دو معیار به‌ازای هر مترمربع تغییر پیدا کند. علی‌رغم این تغییر، پوشش ریسک‌های اجتماعی و اقتصادی اشتغال در بخش ساخت‌وساز تأمین نشده است. همان‌گونه که در ادوار مختلف مشاهده می‌شود حق بیمه سهم کارفرما همواره ماهیت عوارضی داشته و اصلاحات قانونی اعمال شده تنها مصادیق این حق بیمه را در طول زمان تغییر داده است. در اصلاح مقدار حق بیمه کارگران به‌دلیل عدم امکان شناسایی رابطه کارگر و کارفرما، به‌جای معیار فرد و زمان فعالیت، از معیار ریالی^۱ «به‌ازای هر مترمربع نسبت به سطح کل زیربنا» به‌عنوان حق بیمه استفاده شده است. قواعد خاص بیمه‌ای در بیمه کارگران ساختمانی و اصلاحات پیاپی برای آن، بیانگر این است که ساختار قانون بیمه کارگران ساختمانی از ابتدا بر مبنای اصول بیمه‌های اجتماعی بنا نشده، بنابراین هیچ‌گاه اصلاحات صورت گرفته توانایی حل معایب و نواقص اصلی قانون را نداشته است. قانون بیمه کارگران ساختمانی به‌لحاظ ماهوی با ساختار استاندارد اصول حاکم بر بیمه‌های اجتماعی متفاوت است و مادامی که ارکان اصلی روابط کار یعنی کارگر، کارفرما و کارگاه در آن مشخص نباشد، اصلاحات مداوم آن‌گونه که در (جدول ۲) اشاره شده است، نخواهد توانست مشکلات این حوزه را حل نماید. مسئله‌ای که تا این تاریخ حل نشده باقی مانده است و رویکرد موجود هیچ‌گونه نوآوری در نظارت و شناسایی کارگران ساختمانی و همچنین تبدیل ماهیت شغل کارگر ساختمانی به یک شغل



استاندارد را نداشته است. در ادامه کاستی‌های قوانین مصوب طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۹ به تفصیل بحث خواهد شد.

کاستی‌های قانونی (۱۳۵۲ تا ۱۳۹۹)

الف) فقدان معیارهای مبتنی بر اصول بیمه‌های اجتماعی

همان‌گونه که در بالا ذکر شده است، بر مبنای اصول علمی بیمه‌گری اجتماعی و همچنین اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، سازمان بیمه‌گر اجتماعی، با مشارکت فرد بیمه شده، کارفرما و دولت اقدام به بیمه افراد شاغل، می‌نماید. مزایای بیمه اجتماعی شامل پوشش ریسک‌های ناشی از حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی، مرگ و غیره است که متناسب با قانون به افراد دارای صلاحیت تعلق می‌گیرد. آنچه مشخص است قانون بیمه اجتماعی کارگران طی ۵۰ سال گذشته از اصول اولیه بیمه‌های اجتماعی به دور بوده است؛ بدین معنا که اولاً این قانون در ابتدا تنها حوادث ناشی از کار را پوشش می‌داده است و دوم اینکه در این قوانین نحوه دریافت حق بیمه بر مبنای مشارکت فرد طراحی نشده بود. باید در نظر داشت که قانون مصوب سال ۱۳۵۲ نیز ادعای مبنی بر اجتماعی بودن بیمه و پوشش ریسک‌های یاد شده نداشته است، بنابراین این قانون بیشتر به یک بیمه تجاری و تکمیلی شباهت دارد تا بیمه اجتماعی. نکته دیگر اینکه، تمامی اصلاحات قانونی در قوانین بیمه‌های اجتماعی بعدی، طی نیم‌قرن گذشته با منطقی صورت گرفته است که اصولاً به بیمه تجاری نزدیک است. به این ترتیب و بر مبنای همین اصل نادرست، طی ۵۰ سال گذشته این قانون حداقل ۸ بار مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته و تاکنون نیز نتوانسته است مسئله بیمه اجتماعی کارگران را حل کند.

ب) ناتوانی پوشش ۱۰۰ درصدی

طبق قوانین سالیان گذشته در حوزه بیمه کارگران ساختمانی، مبلغ حق بیمه بر مبنای شاخص‌های یاد شده در بخش قبلی، طی فرایندی به حساب تأمین اجتماعی واریز می‌شود؛ بر این مبنای سازمان تأمین اجتماعی بخشی از افرادی که دارای کارت مهارت فنی هستند (خواه این افراد به کار ساختمانی مشغول باشند یا نباشند و خواه اساساً کارگر ساختمانی باشند و یا نباشند) را بیمه می‌کند. طبق این منطق، تأمین اجتماعی هیچ‌گاه نمی‌تواند تمام کارگران ساختمانی را بیمه کند و پوشش ۱۰۰ درصدی ایجاد کند، زیرا اولاً این سازمان شناختی از جامعه هدف (تعداد کارگران، کارگران واقعی، افراد مشغول به کار، محل اشتغال به کار و غیره) ندارد و امکان صحت‌سنجی با اطمینان بالا نیز وجود ندارد، دوماً به دلیل سودمند بودن تعلیق امر بیمه‌شدگی و مطالبه‌گری پایین کارگران، تمایلی از سوی سازمان جهت داشتن و دانستن چنین اطلاعاتی وجود ندارد. اطلاعات کامل از کارگاه، کارفرما و کارگر می‌تواند چرخه معیوب فعلی را برهم ریخته و زمینه را برای شفافیت و اعتماد متقابل فراهم کند. بر این اساس اصلاح چندباره

نحوه محاسبه حق بیمه سهم کارفرما در قانون کارگران ساختمانی هیچ امکان عملی و نظری برای رفع همیشگی معضلات مبتلابه این قشر ایجاد نخواهد کرد.

ج) سهم بزرگی از مزایای قانون متوجه جامعه هدف نیست

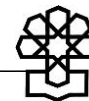
با توجه به مباحث پیش گفته در خصوص عدم تبعیت قوانین بیمه کارگران ساختمانی از اصول بیمه‌های اجتماعی و نیز ناتوانی این قوانین در پوشش کارگران واقعی، تردیدی نیست که سهم قابل توجهی از منافع این قوانین نیز متوجه جامعه هدف نخواهد بود. سابقه اجرای چند دهه این مجموعه قوانین نشان می‌دهد که به واسطه ضعف در نگارش قانون، سازمان تأمین اجتماعی، کارفرمایان و مقاطعه‌کاران و نیز افرادی که با سابقه فروش اقدام به ساخت سابقه بیمه برای افراد غیرشاغل در این شغل می‌نمایند، توانسته‌اند از روزه‌های ایجاد شده در این قانون استفاده کرده، به نحوی که بعضاً کارگران ساختمانی به کناری رانده شده و صرفاً در پوشش این اقشار ضعیف منافی به سمت این گروه‌ها سرازیر شده است. ذیل به چند مورد اشاره خواهد شد:

۱. **سازمان تأمین اجتماعی:** قانون فعلی در جهت منافع سازمان بیمه‌گر عمل می‌کند؛ سازمان تأمین اجتماعی متکفل بیمه تمامی کارگران شاغل مشمول قانون کار است. با این حال سازمان علی‌رغم دریافت حق بیمه سهم کارفرمایی، علاقه زیادی به تأخیر انداختن بیمه افراد دارد، با این استدلال که جمعیت رو به سالمندی است و نرخ وابستگی^۱ در حال کاهش است و باید به هرمیزان که توانایی دارد باید فرایند افول را باید به تأخیر اندازد. قانون فعلی کارگران ساختمانی در جهت ایجاد فرصت‌های زمانی برای سازمان بیمه‌گر عمل می‌کند؛ به این ترتیب که سازمان تأمین اجتماعی پس از ارائه مفصاحساب به کارفرمایان، به جای شناسایی و پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی و با اطلاع از وضعیت معیشتی و رفاهی این قشر، به صورت تدریجی و بطئی، اقدام به بیمه نمودن تعدادی از این کارگران می‌کند.

۲. **کارفرمایان و مقاطعه‌کاران:** قانون بیمه کارگران ساختمانی، کارفرمایان و سازندگان ساختمان را از هرگونه مسئولیتی معاف می‌کند؛ سازندگان ساختمان در سایه این قانون از مسئولیت مخاطرات تهدیدکننده کارگران معاف بوده و در صورت بروز حوادث و سوانح، هرگونه مسئولیتی را به کارگر اعاده می‌کنند. این گروه‌ها با برخورداری از مزایای تأخیر سه‌ساله بدهی، از وظایف کارفرمایی - همکاری با سازمان بیمه‌گر در تهیه لیست بیمه‌شدگان، پرداخت ماهیانه حق بیمه و غیره - نیز شانه خالی می‌کنند.

۳. **سابقه فروشان:** عده‌ای در قالب قانون بیمه کارگران ساختمانی که یکی از ارزان‌ترین و به‌صرفه‌ترین بیمه‌های اجتماعی در کشور است، اقدام به جعل سابقه می‌کنند. این افراد با پرداخت هفت درصد (۷٪) حق بیمه بر مبنای حداقل حقوق، برای خود، سوابق بیمه‌ای ایجاد می‌کنند. اگرچه از سال

1. Dependency Ratio



۱۳۹۶ به بعد با تکمیل داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان، امکان شناسایی برخی از این افراد فراهم شد، با این حال این نقیصه همچنان وجود دارد.

بر مبنای آنچه گفته شد و به دلیل صورتبندی ضعیف قوانین این حوزه و همچنین به علت ناتوانی قانون هم در بخش اجرا و هم در بخش نظارت، اصلاح قانون و تغییر اساسی منطق حاکم بر نگارش قانون ضروری به نظر می‌رسد

د) غفلت از بیمه بیکاری کارگران ساختمانی

یکی از مزایای قانون تأمین اجتماعی بیمه بیکاری است. این مزیت در شرایطی قابل استفاده است که کارگر بدون میل و اراده خود و در اثر تغییرات ساختار اقتصادی کارگاه و یا حوادث غیرمترقبه بیکار شود. با توجه به اینکه درآمد کارگران به طور معمول، هزینه‌های زندگی آنان را پوشش نمی‌دهد، وضعیت معیشتی آنان در شرایط بیکاری سخت‌تر نیز می‌شود. با این حال به دلیل اینکه کار در صنعت ساخت‌وساز در زمره مشاغل سازمان نیافته (فقدان کارفرما) قرار دارد، امکان پرداخت حق بیمه بیکاری وجود ندارد و کارگران ساختمانی از مزیت بیمه بیکاری محرومند. در کنار سایر نواقص قوانین بیمه کارگران ساختمانی، محرومیت از بیمه بیکاری شرایط را برای شاغلان این شغل سخت‌تر کرده است.

ه) بی‌توجهی به ساعات کار مفقود شده

یکی از مشکلات اساسی مشاغل سازمان نیافته، موقتی بودن و مشخص نبودن ساعات کار و فعالیت است. اصولاً کارگران ساختمانی باید نسبت به زمانی که به کار فعالیت دارند بیمه‌پردازی کرده و سابقه بیمه داشته باشند. ماهیت موقتی این شغل و شکل بیمه شدن، باعث شده در شرایط خاص، کارگرانی که مشغول به کار هستند، بیمه نشوند ولی افرادی که به کار مشغول نیستند، اما در حالت بیمه‌پردازی قرار دارند تحت پوشش بیمه قرار گیرند. این واقعیت ناشی از ماهیت موقتی و فصلی بودن شغل کارگران ساختمانی و ناتوانی قانون در پوشش روزه‌های موجود است. علاوه بر این شناسایی برخی از ساعات کار کارگران ساختمانی در ساختار فعلی این شغل میسر نیست. برای مثال امکان شناسایی ساعات کار کارگران ساختمانی در موارد تعمیرات جزئی و یا مقاوم‌سازی جزئی بنا وجود ندارد، زیرا در این موارد کارفرما عمدتاً نیازی به دریافت مجوز یا پروانه فعالیت ندارد؛ به همین دلیل در این گونه موارد شناسایی کارفرما و ساعات کار در ساختار فعلی امکانپذیر نیست. با تکمیل روابط کار و مشخص شدن طرف‌های کارگر و کارفرمای دائمی امکان ردیابی ساعات شغلی هر شخص بر مبنای فعالیت خود فرد مشخص و ایجاد می‌شود.

و) حوادث شغلی

اشتغال در بخش ساختمان یکی از مخاطره‌آمیزترین مشاغل در جهان به حساب می‌آید. براساس بررسی‌های سازمان بین‌المللی کار، از هر پنج مورد تلفات در محل کار، یک مورد مربوط به بخش

ساخت‌وساز است.^۱ در ایران نیز براساس داده‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حدود ۴۰ درصد حوادث ناشی از کار در حین فعالیت‌های ساختمانی اتفاق می‌افتاد. داده‌های جدول زیر تعداد حادثه‌های شغلی در بخش ساختمان را طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ گزارش می‌دهد. همان‌طور که این داده‌ها نشان می‌دهند، حوادث شغلی در بخش ساختمان در تمام سال‌های مورد بررسی حدود نیمی از کل حوادث شغلی در کشور را شامل می‌شوند. این رقم در کنار آمار حوادث منجر به فوت در بخش ساختمان، نشان‌دهنده ریسک بالا برای کارگران بخش ساختمان است.

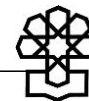
جدول ۳. تعداد حادثه‌های شغلی در بخش ساختمان در سال‌های منتخب

سال	تعداد کل حادثه‌های شغلی	تعداد حادثه‌های شغلی در بخش ساختمان	منجر به فوت (نفر - حادثه)	سهم حادثه‌های بخش ساختمان از کل حادثه‌های شغلی دیدگان (درصد)
۱۳۹۴	۱۰۵۵۴	۴۰۹۸	۵۰۷	۳۸/۸
۱۳۹۵	۱۰۲۰۹	۴۰۰۵	۴۱۱	۳۹/۲
۱۳۹۶	۱۰۶۹۷	۴۰۵۸	۳۸۶	۳۷/۹
۱۳۹۷	۹۹۹۶	۳۷۳۵	۳۲۷	۷۳/۳
۱۳۹۸	۹۷۵۱	۳۷۵۴	۳۴۴	۳۸/۵

مأخذ: سالنامه‌های آماری وزارت رفاه.

ناگفته روشن است که برخی از گروه‌های شغلی در بخش ساخت‌وساز ساختمان ریسک‌های جانی بالایی را متحمل می‌شوند. امروزه تلاش‌های بسیاری در جهت افزایش کیفیت ایمنی کار برای کارگران ساختمانی به منظور کاهش ریسک‌های جانی انجام گرفته اما همچنان نمی‌توان ادعا کرد برخی از این مشاغل (خصوصاً مشاغل در ارتفاع)، دارای ریسک‌های در سطح استاندارد هستند. به همین علت برخی از امتیازات شغلی برای جبران رفاه از دست رفته ناشی از اشتغال در این مشاغل در نظر گرفته می‌شود. بسیاری معتقدند که مدل مطلوب جبران رفاه از دست رفته این گروه از مشاغل کارگران ساختمانی با اصلاح ساختار روابط شغلی و نظام دستمزدها است. با اینحال در ایران با وجود اینکه کارگران در بخش ساخت‌وساز روزانه با سطح بالایی از ریسک جانی و حوادث ناشی از کار روبه‌رو هستند، اما قانون فعلی بیمه اجتماعی، سطح حمایت اجتماعی مطلوبی از کارگران را پوشش نمی‌دهد، این در حالی است که به علت تعداد زیاد حوادث شغلی در این بخش، کارگران ساختمانی حتی مستحق امتیازاتی بیش از سایر مشاغل هستند، اما قواعد خاص بیمه‌ای ناشی از ساختار ناقص روابط کار، ظرفیت لازم برای اعطای امتیازات شغلی را فراهم نمی‌کند. پیش‌نیاز برخورداری از امتیازات شغلی این دسته از مشاغل، کامل

1. Hazardous Work List, ILO



بودن ساختار روابط کار است، چرا که پوشش بیمه‌ای افراد شاغل در یک شغل خاص، مستلزم مشخص بودن سه رکن اصلی روابط کار یعنی کارگر، کارفرما و کارگاه است.

ز) سابقه بازنشستگی

ناقص بودن ساختار روابط کار در شغل کارگران ساختمانی در قواعد خاص بیمه‌ای انعکاس می‌یابد. استفاده از قواعد خاص بیمه‌ای در قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی زمینه‌ساز به‌روز برخی ناعدالتی‌ها در ساختار این قانون شده است. ماده (۱۰) قانون بیمه کارگران ساختمانی که شرایط احراز بازنشستگی کارگران را مشخص می‌کند، سابقه مورد قبول برای بازنشستگی را ۳۵ سال قرار داده است. این در حالی است که ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی^۱ میزان سابقه مورد نیاز برای احراز شرایط بازنشستگی (به شرط حداقل سن برای مردان ۵۰ سال و برای زنان ۴۵ سال)، ۳۰ سال تعیین کرده است. این تفاوت در قانونگذاری نوعی تبعیض ناروا است و مقدمات بروز نارضایتی اجتماعی را میان کارگران بخش ساختمان را فراهم می‌کند. اصلاح ساختار روابط کار در شغل کارگر ساختمانی شرط لازم برای یکسان‌سازی رویه‌های بیمه‌ای و حذف قواعد خاص در بیمه اقسار است که به معنی ارتقای منزلت اجتماعی کارگران ساختمانی و گسترش عدالت اجتماعی در میان کارگران خواهد بود.

الگوهای نوین کار و تأمین اجتماعی در جهان

الف) الگوی نوین کار شایسته

مفهوم کار شایسته که به تازگی وارد ادبیات بازار کار شده است و یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار به حساب می‌آید. کار شایسته یعنی همه شهروندان از امکان اشتغال و به تبع آن از حمایت‌های قبل، حین و بعد از اشتغال برخوردار باشند. به همین سبب حمایت‌های اجتماعی وجهی شناخته شده و مورد پذیرش از شغل شایسته در تمام دنیا است. سازمان جهانی کار نیز در دو دهه اخیر رکن اصلی چارچوب فعالیت‌های خود را بر مبنای کار شایسته و حمایت‌های اجتماعی از شاغلان قرار داده است (علی رحمانی، ۱۳۹۷). بر اساس معیارهای سازمانی جهانی کار، کار شایسته کاری است که مؤلفه‌های آزادی، برابری، امنیت، بیمه و درآمد مناسب، متناسب با شأن و وقار اجتماعی افراد در آن حفظ شود (شاخص‌های کار شایسته، ۲۰۱۳). آنچه مشخص است، شغل کارگر ساختمانی در ایران مؤلفه‌های اجتماعی کار شایسته را برای کارگران تأمین نمی‌کند. کارگران ساختمانی ساعات زیادی را در کنار معابر برای استخدام از سوی کارفرمایان و سازندگان ساختمان، سپری می‌کنند، امنیت شغلی کافی و درآمد بالایی ندارند و از منزلت اجتماعی قابل قبولی برخوردار نیستند. مجموع این موارد در کنار مشکلات بیمه‌ای در قانون بیمه کارگران

۱. قانون استاندارد برای تمامی مشاغل کارگری به غیر از مشاغل خاص

ساختمانی به واسطه ساختار ناقص شغلی، یک بازنگری اساسی را طلب می‌کند. تکمیل ساختار روابط شغلی در شغل کارگران ساختمانی می‌تواند بسیاری از مشکلات اشاره شده را به‌خصوص در حوزه بیمه‌های اجتماعی برطرف کرده و شغل کارگر ساختمانی را به استانداردهای یک شغل شایسته نزدیک کند.

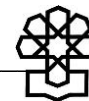
ب) الگوی نوین تأمین اجتماعی نظارتی

اگرچه تعدادی از کشورها اقدام‌هایی برای دسترسی به حمایت‌های اجتماعی کارگران خوداشتغال انجام داده‌اند، اما پوشش حمایت‌ها هنوز در بسیاری از کشورها به اندازه کافی نبوده است. کارگران خوداشتغال ساختمانی همچنان از شانس کمتری برای برخورداری از حمایت‌های اجتماعی نسبت به مشاغل استاندارد برخوردارند. با این وصف طرح‌های بیمه اجتماعی نگاهی ویژه به طبقه‌بندی کارگران، خصوصاً در بخش ساختمان دارند. این طرح‌ها سعی دارند با توسعه سیاست‌های مبتنی بر شواهد و راه‌حل‌های حقوقی، نسبت به پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی اطمینان حاصل کنند. شرط لازم برای دستیابی به چنین هدفی، سیستم‌های نظارتی با اثرگذاری مناسب است. زیرا وجود هرگونه خلأ سیستمی، کارفرمایان را به استفاده از کارگران با تعهدات اجتماعی کمتر سوق می‌دهد. با این حال حمایت‌های دولتی، سیاستگذاری و همچنین تدوین قوانین در جهت افزایش رفاه شاغلان در بخش ساخت‌وساز، باعث شده که کارگران این شغل، روزبه‌روز نسبت به گذشته از شرایط بهتری برخوردار باشند. مرور تجربه برخی کشورها می‌تواند موضوع را به‌گونه‌ای روشن‌تر تبیین کند.

۱. کانادا

در کشور کانادا بخش ساختمان به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی اقتصادی به‌حساب می‌آید. به‌طوری‌که قابل توجهی از GDP کل اقتصاد کانادا را از آن خود کرده است. روابط شغلی در بخش ساخت‌وساز به دو شکل خوداشتغالی^۱ و کارگر- کارفرمایی تعریف شده است. در حالت خوداشتغالی، کارگر خدمتی را در قبال مزدی مشخص دریافت می‌کند اما تحت کنترل خدمت‌گیرنده نیست. در شرایط کارگر- کارفرمایی، کارگر تحت هدایت و یا کنترل کارفرما قرار گرفته و در هر صورت از مزایای متناسب با نوع روابط کار برخوردار می‌شود. مرجع تشخیص خوداشتغالی و یا رابطه کارگری، آژانس درآمد کانادا (CRA) است که تمامی کارگران و کارفرمایان را ملزم به مشارکت در طرح‌های بیمه بازنشستگی کرده است. در قانون بیمه اجتماعی کانادا جایی که کارگر از طریق یک شرکت ساختمانی خدماتی، مهارت‌های خود را ارائه می‌دهد و آن شرکت برای ارائه خدمت با شخص ثالث (حقیقی یا حقوقی) قرارداد منعقد می‌کند، شخص

1. Self-employed Worker
2. Canada Revenue Agency



ثالث به عنوان کارفرما به حساب نمی آید، بلکه شرکت ارائه دهنده خدمات ساختمانی به عنوان کارفرما باید نسبت به پرداخت حق بیمه سهم کارفرما، به نهاد^۱ CPP اقدام کند.^۲

۲. ژاپن

در قانون کار ژاپن، شرکت های ساختمانی که در بخش ساخت و ساز، تعمیر و نگهداری، فعال هستند، از مهارت تعداد زیادی از کارگران ساختمانی بهره می برند. کارگرانی که توسط این شرکت ها در مکان های کاری مشغول به کار می شوند، از عقد قرارداد با سایر شرکت ها منع می شوند و در زمان بیکاری نیز، دستمزد «انتظار برای کار» دریافت می کنند. در این ساختار، زمان شروع و ترک کار مشخص است و کارگران از سایر مزایای شغلی بهره مند بوده و زیر نظر یک ناظر مدیریتی مشغول به کار هستند. شرکت ساختمانی موظف است حق بیمه سهم کارفرما و سهم بیمه کارگر را با کسر از حقوق آنان، به صندوق های طرح بیمه بازنشستگی پرداخت کند. اگرچه در ژاپن سایر حالت های اشتغال در بخش ساختمان مانند خوداشتغالی نیز وجود دارد،^۳ اما بیشتر کارگران از طریق شرکت های خدماتی به کار گمارده می شوند و مورد حمایت اجتماعی قرار می گیرند.

۳. آلمان

در آلمان نیاز به خدمات بیمه اجتماعی صنعت ساختمان از طریق یک نهاد تلفیقی به نام سوکا-بائو SOKA-BAU ارائه می شود. این نهاد متشکل از دو مؤسسه به نام های صندوق مرخصی و دستمزد صنعت ساختمان^۴ (ULAK) و برنامه پرداخت های مضاعف بخش ساختمان^۵ (ZVK) است. وظیفه ULAK تأمین حقوق و مرخصی و آموزش حرفه ای کارگران ساختمانی است و ZVK، خدمات بازنشستگی، جبران آسیب های دوران سالمندی را تأمین می کند. کارفرمایان بخش ساختمان، شرکت های ساخت و سازی هستند که فعالیت اصلی آنها ساخت و تکمیل پروژه های ساختمانی است. در طرح بیمه اجباری کارفرمایان صنعت ساختمان ملزم به پرداخت سهم خاصی متناظر با خدمات اجتماعی که سوکا - بائو ارائه می دهد، هستند. در کنار این سیستم، طرح های اختیاری مکمل بازنشستگی توسط سوکا-بائو ارائه می شود که با مشارکت تمامی کارفرمایان و کارگران در بخش ساختمان تأمین مالی می شود. بنابراین سطحی از بیمه های اجتماعی برای کارگران ساختمان در آلمان به صورت اجباری بوده (که در آن حق بیمه به صورت مساوی بین کارگر و کارفرما تقسیم می شود) و سطح تکمیلی آن به صورت اختیاری طراحی شده است.^۶

1. Canada Pension Plan

2. Canada.ca

3. Asakura, 2000.

4. The Leave and Wage Equalization Fund of the German Building Industry

5. the Additional Pay Scheme of the German Building Industry

6. www.nationalskillsnetwork.in

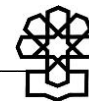
۴. سوئیس

جمعیت کارگران ساختمانی در کشور سوئیس به دو گروه کارگران مستقیم و کارگران خوداشتغال تقسیم می‌شود. کارگران که به صورت مستقیم تحت استخدام شرکت‌های پیمانکاری قرار دارند کارگران مستقیم هستند و به صورت اجباری تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نظام تأمین اجتماعی کشور سوئیس قرار می‌گیرند و باید براساس سهم بیمه تعیین شده در قانون تأمین اجتماعی، نسبت به دستمزد دریافتی بیمه‌پردازی کنند. اما بیمه‌های اجتماعی برای کارگران ساختمانی خوداشتغال، در این سیستم اجباری نیست. کارگران مختارند نحوه برخورداری از حمایت‌های اجتماعی را خود تعیین کنند.^۱ به همین سبب سیستم تأمین اجتماعی سوئیس اخیراً به دنبال اعمال اصلاحاتی از طریق شرکت‌های نظارتی در جهت اجباری کردن بیمه اجتماعی برای مشاغل سازمان نیافته است.

الگوی مناسب و عملیاتی

همان‌طور که گفته شد، برای پوشش بیمه‌ای افراد شاغل در یک شغل خاص، مشخص بودن سه رکن اصلی روابط کار یعنی کارگر و کارفرما و کارگاه، الزامی است. از آنجایی که شغل کارگری ساختمان، شغلی موقتی بوده و پیوسته نیست، نمی‌توان برای آن کارفرما و کارگاه مشخصی متصور بود. بنابراین نیاز است ساختار روابط کار، در این شغل به درستی تعریف شود. برای این منظور تشکیل «مؤسسه یا مؤسسات ناظر» بر بیمه کارگران ساختمانی مورد نیاز است. همزمان تدوین قوانین الزام‌آور برای متقاضیان ساخت‌وساز برای تأمین نیروی کار مورد نیاز خود تنها از طریق این مؤسسات ضروری است. مشخصات و سازوکارهای نوین به شرح زیر است:

۱. **مؤسسات ناظر:** در مدل نوین بازار کار ساختمان، کارگران ساختمانی در چارچوبی، تحت نظارت مؤسسات قرار می‌گیرند. این مؤسسات با سازندگان و کارفرمایان ساختمانی نیز در تعامل نظارتی هستند. نوع رابطه کارگران ساختمانی با مؤسسات خدمات ساختمانی جدید می‌تواند، تضمین‌کننده شکل رابطه فعلی کارگر و کارفرما با سازوکار نظارتی متفاوت باشد. مؤسسه یا مؤسسات بسته به اقتضای موجود می‌توانند دولتی و یا عمومی استانی و یا ملی باشند.
۲. **مؤسسات مهارت‌افزایی:** آموزش حرفه‌ای کارگران ساختمانی دغدغه همه ذی‌نفعان است؛ دولت، کارفرمایان و کارگران هم‌اندیشه هستند که مهارت‌افزایی می‌تواند موجب افزایش رفاه کارگران و به تبع آن کاهش هزینه‌های حمایت اجتماعی دولت و درنهایت بالارفتن کیفیت کار مورد انتظار کارفرمایان و تولیدکنندگان باشد. باید اشاره کرد که زیرساخت فعلی مهارت‌افزایی نیازمند نوعی از بازنگری دقیق است که در تعامل ارگانیک با مؤسسات ناظر قرار گیرد.



۳. دولت: بعد سوم نظام نوین بیمه، دولت است. دولت بر مؤسسه، کارفرما، سازمان بیمه‌گر و کارگر نظارت مستمر خواهد داشت و شرایط قرارداد، شرایط بهداشتی شغل، بیمه‌پردازی و همه عوامل مورد نیاز را کنترل می‌کند. بنابراین مؤسسات خدمات ساختمانی در شأن نظارت بر نیروی کار قرار می‌گیرند و دولت فعالیت آنها را به صورت ماهیانه پایش خواهد کرد.

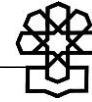
واکنش اجتماعی - اقتصادی: حقیقت آن است که تطبیق ساختار سازمان نیافته فعلی شغل کارگران ساختمانی و تغییر نهادی بازار کار این شغل برای ایجاد تحول به سمت مدل‌های اشتغال نوین، به معنای رسیدن به نقطه بهینه اجتماعی در این بازار کار با کمترین هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی است. عموماً صورت‌های نهادی ناکارآمد و متزلزل در بازار کار با قانونگذاری و مشوق‌های مناسب، به مرور زمان به مدل‌های کارای دلخواه نزدیک می‌شوند. در ساختار جدید، مؤسسات نظارتی به‌عنوان کارفرما شناخته شده و ملزم به پرداخت حق بیمه کارفرمایی است. کارگران نیز به مانند سایر مشاغل از مزایایی تأمین اجتماعی بیشتر، بیمه بیکاری و غیره بهره‌مند می‌شوند. تکمیل ساختار روابط کار به روش پیشنهادی مؤلفه‌های شغل شایسته را برای کارگران ساختمانی به همراه خواهد داشت و اصلاح پیشنهادی با کمترین هزینه اجتماعی و اقتصادی، منزلت اجتماعی بخش قابل توجهی از کارگران را برای همیشه به سطح قابل قبولی رسانده و با ایجاد تعادل میان کارگر و کارفرما، از شکست بیمه‌ای جلوگیری می‌کند. تردیدی نیست که شرایط کنونی شغل کارگران ساختمانی ویژگی‌های یک شغل شایسته را ندارد. کارگران ساختمانی از بسیاری از مزایای بیمه‌ای محروم شده و از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مجموع مشکلات قوانین بیمه کارگران ساختمانی از ابتدا تاکنون و اصلاحات انجام شده، نشان می‌دهد که ادامه روند فعلی ممکن نبوده و ساختار موجود کارایی لازم را ندارد. بنابراین شرط دستیابی به اصول استاندارد پذیرفته شده بیمه‌ای، تغییر پارادایم در قانون بیمه کارگران ساختمانی بر مبنای الگوهای نوین جهانی است. پیشنهاد این گزارش در نگاه اول بسیاری از مشکلات بیمه کارگران ساختمانی را حل خواهد کرد. اما پیش‌زمینه تبدیل این ایده به یک قانون کاربردی انجام مطالعات امکان‌سنجی حقوقی، فنی، اجتماعی و اقتصادی است. علی‌رغم اینکه پیشنهاد فوق باعث ساماندهی شغل کارگران ساختمانی می‌شود، اما به دلیل تعارض منافع میان بازیگران این نوع از بیمه اجتماعی، امکان سوءاستفاده را نیز فراهم می‌کند. به همین دلیل ممکن است محل نزاعی برای ذی‌نفعان بیمه کارگران ساختمانی باشد. بنابراین ایده این گزارش هرچند یک ایده پیشرو در ساختار فعلی بیمه کارگران ساختمانی است، اما پیشنهاد می‌شود در گزارش مرحله دوم به بررسی مقدماتی جهت امکان‌سنجی اجرای این ایده پرداخته شود.

براساس قوانین جاری بیمه کارگران ساختمانی در ایران، به علت مشخص نبودن کارفرمای دائمی و معین، حق بیمه سهم کارفرما براساس صدور پروانه ساخت از سوی شهرداری‌ها، به صورت عوارض از متقاضیان ساخت و ساز دریافت می‌شود. نرخ حق بیمه در طی سال‌های متمادی چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته، اما همچنان صندوق تأمین اجتماعی معتقد است برای پوشش بیمه کارگران ساختمانی با کسری قابل توجهی روبه‌رو است. مضاف بر این، قانون فعلی تاکنون نتوانسته پوشش کامل بیمه‌ای برای کارگران ساختمانی ایجاد کند، زیرا بیش از ۴۰۰ هزار نفر کارگر ساختمانی تحت پوشش هیچ‌گونه بیمه‌ای قرار ندارند و مابقی بیمه‌شدگان هم از شرایط بیمه‌ای برابری با سایر بیمه‌شدگان برخوردار نیستند. فارغ از مسئله با اهمیت پوشش بیمه‌ای، این شیوه بیمه‌گری خارج از قواعد عام بیمه‌ای است که کارگران را از بسیاری از مزایای بیمه‌ای محروم می‌کند. بنابراین تغییر ساختار روابط کار در این شغل پیشنهاد شده است. در این رابطه هرگونه اصلاحی باید منجر به تعیین طرف‌های کارگری، کارفرمایی و کارگاهی به جهت نظارت بیمه‌ای شود. اصلاحات روابط کار تضادهای موجود در قانون فعلی را رفع کرده و بیمه کارگران ساختمانی را از شکل اختیاری به بیمه اجباری تبدیل می‌کند. در حقیقت در گامی پیشرو، تمامی مشاغل سازمان نیافته نیازمند تکمیل روابط شغلی هستند تا نظام تأمین اجتماعی بتواند از ساختار بیمه‌ای سنتی به سمت ساختار بیمه‌ای مدرن و کارآمد حرکت کند. با مشخص شدن طرف‌های روابط کار و سهم حق بیمه هر کدام، کارفرما و کارگر با مسئولیت و مزایای بیمه اجتماعی آشنا خواهند شد.

پیشنهاد می‌شود قوانین بیمه کارگران ساختمانی فعلی نسخ و قانون جدید برمبنای الگوی پیشنهادی و نوین با مرکزیت مؤسسه یا مؤسسات (ناظر و مهارتی) به تصویب برسد.



منابع و مأخذ

۱. سالنامه آماری وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی.
۲. سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی.
۳. رحمانی، علی و سیدمحمد هاشمی. حمایت‌های اجتماعی در کار شایسته، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، ش ۶۳، ۱۳۹۷.
4. Decent work indicators.
5. ILO.org.
6. Safety and health construction work, ILO.
7. Conditions of Work and Employment Programme.
8. Keuschnigg, C., Keuschnigg, M., & Jaag, C. (2011). Aging and the financing of social security in Switzerland. *Swiss journal of economics and statistics*, 147(2).
9. Natali, D., Spasova, S., & Vanhercke, B. (2016). Retirement regimes for workers in arduous or hazardous jobs in Europe. European Commission, Brussels.
10. Asakura, M. (2000, May). Workers' Protection in Japan. In ILO Meeting of Experts on Workers in Situation Needing Protection, Geneva.
11. on extension of social security coverage to the self employed, Handbook, ISSA.
12. Chatterjee, S. (2016). Labourers of Unorganised sectors and their Problems.
13. The construction industry in the twentyfirst century: Its image, employment prospects and skill requirements.
14. India. National Commission for Enterprises in the Unorganised Sector, & Academic Foundation (New Delhi, India). (2008). Report on conditions of work and promotion of livelihoods in the unorganised sector. Academic Foundation.
15. Shekhar, S. C. (2018). the Socio Economic Condition of Workers In Unorganised Sector A Sociological Study.
16. Van Ginneken, W. (2003). Extending social security: Policies for developing countries. *Int'l Lab. Rev.*
17. Work, I. D. (2002). The Informal Economy, Report VI. In International Labour Conference.
18. <https://www.nationalskillsnetwork.in/soka-bau-germany>.
19. <https://www.kmu.admin.ch>.